



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Investigating the extent of teachers' use of art in the teaching of non-art subjects in the elementary school

Hassan Ali Garmabi*¹

¹ Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, P.O.Box1466-889, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Keywords

teachers
art
art in instruction
non-art subjects
elementary school

1 .Corresponding author
✉ h.garmabi@cfu.ac.ir

Received: 2024/02/25
Reviewed: 2024/09/10
Accepted: 2024/09/16
Published online: 2025/09/17

Background and Objectives: The present study was conducted with the aim of investigating the extent of teachers' use of art in teaching non-art subjects of the elementary school. **Methods:** This research is a type of applied-descriptive research that was conducted with a survey method. The statistical population of the research is the primary school teachers of Karaj and the number of the statistical sample was 254 people. Data collection was done with a researcher-made questionnaire, and data analysis was done with descriptive and inferential statistics indicators (T-test and Friedman's ranking) and the reliability of the questionnaire was also done with Cronbach's alpha test and its value was estimated at 0.83. **Findings:** The findings showed that 71% of the statistical sample has experience using art in teaching non-art subjects. Among the 13 art disciplines, the use of crafts, painting, storytelling and film was higher than the average, and poetry, calligraphy, music, singing and chanting, volume building, photography and historical works of art were below the average. **Conclusion:** In general, the amount of teachers' use of art subjects is less than average, except for the three subjects of Persian, technology and science.



<https://pma.cfu.ac.ir>

DOI: [10.48310/pma.2025.15869.4397](https://doi.org/10.48310/pma.2025.15869.4397)

Citation (APA): Garmabi, H. A. (2025). Investigating the extent of teachers' use of art in the teaching of non-art subjects in the elementary school. *Educational and Scholastic studies*, 14 (3), 79 - 93 .

 <https://doi.org/10.48310/pma.2025.15869.4397>



بررسی میزان بهره‌گیری معلمان از هنر در آموزش دروس غیرهنری دوره ابتدایی^۱

مقاله پژوهشی / مروری

حسنعلی گرمابی*

۱ / استادیار، گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۱۸۸۹-۱۴۶۶۵ تهران، ایران.

چکیده

پیشینه و اهداف: امروزه کاربرد هنر در آموزش سایر حوزه‌های یادگیری مطرح بوده و نظام‌های آموزشی می‌کوشند از آن بهره‌مند شوند. پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان بهره‌گیری معلمان از هنر در آموزش دروس غیرهنری دوره ابتدایی انجام گردیده است. **روش‌ها:** این پژوهش از نوع پژوهش‌های کاربردی-توصیفی بوده که با روش پیمایشی صورت گرفته است. جامعه آماری پژوهش، معلمان دوره ابتدایی شهر کرج بوده که نمونه‌ای به تعداد ۲۵۴ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای در آن مشارکت نمودند. گردآوری داده‌ها با ابزار پرسشنامه‌ی محقق ساخته انجام گرفته و تجزیه و تحلیل داده‌ها با شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی (آزمون T و رتبه‌بندی فریدمن) و پایایی پرسشنامه نیز با آزمون آلفای کرونباخ انجام و مقدار آن ۰/۸۳ برآورد شد. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد که ۷۱ درصد نمونه آماری دارای تجربه به کارگیری هنر در آموزش دروس غیرهنری هستند. در بین ۱۳ رشته هنری، میزان کاربرد رشته‌های کاردستی، نقاشی، قصه‌گویی و فیلم بالاتر از حد متوسط و رشته‌های شعر، خوشنویسی، موسیقی، آواز و سرود، حجم‌سازی، عکاسی و آثار هنری تاریخی کمتر از متوسط بود. تحلیل وضعیت میزان استفاده از رشته‌های هنری به تفکیک ۹ حوزه یادگیری نشان داد در دو درس فارسی و فناوری میزان بهره‌گیری از رشته‌های هنری بالاتر از حد متوسط، در درس علوم در حد متوسط و در سایر دروس یعنی ریاضی، مطالعات اجتماعی، تربیت بدنی، تفکر و پژوهش، هدیه‌های آسمان و قرآن کمتر از حد متوسط بوده است. **نتیجه‌گیری:** به صورت کلی میزان استفاده معلمان از رشته‌های هنری به جز سه درس فارسی، فناوری و علوم کمتر از متوسط است.

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید.

واژه‌های کلیدی

معلمان

هنر

هنر در آموزش

دروس غیرهنری

دوره ابتدایی

۱. نویسنده مسئول

h.garmabi@cfu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۶

انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶

شماره صفحات: ۹۳-۷۹

DOI: [10.4831/pma.2025.15869.4397](https://doi.org/10.4831/pma.2025.15869.4397)

شابا الکترونیکی: ۲۶۴۵-۸۰۹۸



COPYRIGHTS

©2025 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

^۱ مقاله مستخرج از طرح پژوهشی است که با حمایت فرهنگستان هنر ایران انجام شده است.

مقدمه

امروزه قابلیت‌های هنر برای دنیای تعلیم و تربیت به موضوعی تقریباً بدیهی و مسلم تبدیل گشته است و اهمیت آن بر کسی پوشیده نیست؛ فیلسوفان و صاحب‌نظران متعددی درباره اهمیت و همچنین نحوه ورود هنر به دنیای تعلیم و تربیت سخن گفته‌اند. دیویی (Dewey, 1933:22) بیان می‌کند: «موقعیت معلم به مثابه یک هنرمند، با توانایی او در پرورش نگرش هنرمندی در شاگردانی که با او تحصیل می‌کنند سنجیده می‌شود».

صاحب‌نظران و پژوهشگران تربیتی کوشیده‌اند تا آثار و نتایج ملحوظ هنر در بین و درون برنامه‌های درسی و آموزش را تبیین و تشریح سازند. در این راستا امروزه حداقل دو رویکرد برای پرداختن به هنر در تعلیم و تربیت ذکر شده است. اسمیت (Smite, 2008) با استفاده از اصطلاح زیبایی‌شناسی تربیتی برای برقراری ارتباط بین هنر و تعلیم و تربیت ابتدا در حالت اول زیبایی‌شناسی تربیتی را به عنوان آموزش هنر، سپس در حالت دوم آن را به عنوان دامنه‌ای از فعالیت‌های غیرهنری که از نگاه زیبایی‌شناختی و هنر قابل فهم هستند مطرح ساخته است. اوینگ (Ewing, 2017) با عبارات آموزش در هنرها (آموزش هنرها) و هنرها در آموزش (آموزش از طریق هنرها) به این دو رویکرد اشاره کرده است. پژوهشگران برای رویکرد هنرها در آموزش یا آموزش از مجرای هنر (Mehrmohammadi, 2011) و ملحوظ هنر در درون سایر برنامه‌های درسی یا به عبارت بهتر اجرای تلفیقی برنامه‌های درسی غیرهنری با هنر مزایایی برشمرده‌اند. سوتیروپولو و موریکی (Sotiropoulou & Mouriki, 2019) بیان می‌کنند: «امروزه نشان داده شده است که تلفیق هنرها نه تنها از آموزش هنرها بلکه از آموزش سایر رشته‌های علمی پشتیبانی می‌کند و بررسی تعداد زیادی از تلفیق هنرها نشان داده است که می‌تواند از نظر آموزشی موفق بوده و به عنوان حوزه‌های متحول کننده به شمار آید».

بر اساس آنچه بیان شد کاربرد هنر در آموزش به عنوان یک حوزه علمی از سوی صاحب‌نظران مطرح و فعلیت بخشیدن به آن توصیه شده است. آیزنر (Eisner, 2005:174) می‌گوید: «حوزه معنا سازی اشکال مختلفی دارد و معنا سازی منحصر به کلمات بیانی نیست برای مثال علم با وجود سودمندی زیاد هرگز نمی‌تواند منحصر به یک شکل باز نمایی که خود از میان اشکال گوناگون انتخاب کرده، باشد همه اشکال باز نمایی داده‌ها و اطلاعات در شکل دادن و افزایش درک افراد مؤثرند».

وقتی هنر به مثابه زبان این قابلیت را دارد که محتوای مورد نظر را در اشکال متنوع و متعدد بیان نماید بدیهی است که دانش خواه هنری باشد خواه غیرهنری، می‌تواند با اشکال مختلف باز نمایی در اختیار شاگردان قرار گیرد. در این میان این پرسش قابل طرح است که نظام‌های آموزشی از فرصت و قابلیت‌هایی که رشته‌های گوناگون هنری برای رساندن پیام‌های یادگیری و آموزش دارا هستند تا چه اندازه بهره می‌گیرند؟ در این راستا این پژوهش کوشیده است میزان بهره‌گیری معلمان دوره ابتدایی از هنر در آموزش دروس غیرهنری را بررسی نماید. نتایج این بررسی برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان درسی تربیت و بهسازی معلمان دوره ابتدایی اطلاعات مفیدی ارائه نموده است که می‌توانند با استفاده از آن برنامه‌های توسعه‌ی حرفه‌ای مناسبی برای معلمان پیش‌بینی و اجرا نمایند تا نظام آموزشی به‌ویژه دوره ابتدایی از قابلیت‌های کاربرد هنر در آموزش بهره‌مند شود؛ زیرا همان‌طور که در ادامه بیان شده است بررسی‌های پژوهشگر نشان داد مطالعاتی که میزان بهره‌گیری معلمان دوره ابتدایی از هنر در آموزش سایر دروس را نشان دهد انجام نگردیده است.

پیشینه پژوهش

موس و همکاران (Moss et al, 2018) در پژوهش خود نشان داده‌اند که برنامه‌درسی تلفیقی هنر تأثیرات مثبتی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان شهری دارد. هررا (Herrera, 2019) به بررسی تأثیر تلفیق هنرهای تجسمی با سایر دروس بر تقویت داستان نویسی پرداخته است؛ وی بیان می‌کند: «برنامه‌های چندین معلم ابتدایی را در سراسر ایالات

متحد که هنر را در درس‌های خود تلفیق کرده‌اند، بررسی کردم. من مزایای متعددی برای مربیانی که هنر را در کلاس درس خود تلفیق می‌کنند، یافته‌ام. از آن جا که همه دانش‌آموزان توانایی‌های یادگیری متفاوتی دارند و با استفاده از تلفیق هنر، معلمان برای پذیرش و ایجاد انگیزه برای همه دانش‌آموزان وضعیت آسان‌تری خواهند داشت. در نتیجه، تلفیق هنر می‌تواند برای دانش‌آموزان و مربیان مفید باشد. مربیان می‌دانند که دانش‌آموزان عاشق انجام فعالیت‌ها، بازی‌ها و گوش دادن به موسیقی هستند. چرا از علاقه دانش‌آموز در کلاس درس برای تقویت یادگیری خود، به‌ویژه نگارش داستان استفاده نکنند. یکی از راه‌هایی که مربیان ابتدایی علاقه دانش‌آموزان را افزایش می‌دهند، تلفیق هنرها در برنامه‌درسی است». بادگر (Badger, 2019) در مطالعه‌ای تحت عنوان بررسی دیدگاه معلمان درباره استفاده از تلفیق هنرها در کلاس‌های اولیه دوره ابتدایی بیان می‌کند: «علی‌رغم این که معلمان محدودیت استفاده از هنر را درک می‌کنند؛ لیکن برای استفاده تلفیقی از هنر جهت بهبود مهارت‌های بازدارنده شناختی، اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان ارزش بالایی قائل هستند». مارشال (Marshall, 2014) تلفیق هنر را یک رویکرد پیچیده و غنی برای تدریس و یادگیری می‌داند که نه تنها با ابتکارات جدید آموزش همخوانی دارد؛ بلکه می‌تواند در تحول آموزش و پرورش سهم بسزایی داشته باشد. گرمابی (Garmabi, 2022) با بررسی تجارب معلمان در زمینه کاربرد هنر در آموزش، آثار و آموزه‌های این تجارب را در درجه اول، تسهیل تحقق اهداف عاطفی و تزریق جذابیت به دنیای یادگیری، سپس تسهیل تحقق اهداف شناختی، مهارتی و مدیریت کلاس درس ذکر کرده است.

تحقیقات انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد که آموزش تلفیقی دروس غیرهنری با هنر یا آموزش از طریق هنرها، در نظام‌های آموزشی برخی کشورها به صورت طرح‌ها و رویکردهای خاصی مطرح گردیده است؛ برای مثال پروژه تاکاک^۱ در نظام آموزشی ۶ ایالت آمریکا (Lisa, 2013)، پداگوژی یادگیری تلفیقی هنر در هندوستان جهان (Senapaty, 2019)، پروژه آموزش یا مشارکت هنرمندان محلی در استرالیا اوینگ (Ewing, 2017)، و رویکرد هنری مدارس والدورف در آلمان (Pordawood et al, 2019) به اجرا درآمده است؛ اما این که به طور روشن پژوهش‌هایی که میزان بهره‌گیری معلمان از هنر (نه مزایا و اثربخشی) در آموزش را بیان کنند، جستجوهای پژوهشگر تقریباً بی‌نتیجه بوده است. تنها اورک (Oreck, 2006) داده‌هایی که از ۴۲۳ معلم جمع‌آوری نمود نشان داد که معلمان معتقدند هنر در آموزش مهم است؛ اما بندرت از آن استفاده می‌نمایند و دلایل آن را فقدان آموزش و زمان ذکر کرده‌اند. وی همچنین بیان می‌کند در بین ویژگی‌هایی فردی معلمان، خودکارآمدی و خودانگاره‌ی معلمان در رابطه با خلاقیت و هنر بیش‌ترین تأثیر را دارد و معلمان دوره ابتدایی نسبت به سایر معلمان و زنان نسبت به مردان بیشتر از هنر استفاده کرده‌اند و تجربیات توسعه‌ی فردی می‌تواند در میزان استفاده از هنر در تدریس تفاوت ایجاد نماید. با عنایت به کمبود پژوهش در این زمینه، هدف این نوشتار آن است که میزان بهره‌گیری معلمان دوره ابتدایی از قابلیت‌های هنر در آموزش دروس غیرهنری را بررسی نماید و کوششی باشد تا بتواند داده‌های پژوهشی فراهم سازد که مشخص گردد آنچه در راهنمای درس هنر دوره ابتدایی ایران (Organization for Educational Research & planning, 2017) بیان شده که هنر به‌عنوان یک فراینامه درسی توان آن را دارد که محور ساماندهی آموزش دوره ابتدایی باشد و معلمان از کارکرد ثانویه و تقویتی هنر برای درس‌های مختلف استفاده نمایند در صحنه عمل و کلاس‌های درس چه وضعیتی دارد؟ بدین منظور دو پرسش زیر تنظیم و بررسی مطابق آن‌ها انجام شده است.

- ۱) میزان بهره‌گیری معلمان دوره ابتدایی از قابلیت‌های هنر در آموزش دروس غیرهنری به تفکیک رشته‌های هنری از چه وضعیتی برخوردار است؟
- ۲) میزان بهره‌گیری معلمان دوره ابتدایی از قابلیت‌های رشته‌های هنر در آموزش دروس غیرهنری به تفکیک دروس از چه وضعیتی برخوردار است؟

¹ TETAC

روش

این پژوهش یک پژوهش کاربردی از نوع توصیفی است. که در آن نحوه بکارگیری هنر توسط معلمان دوره ابتدایی در آموزش دروس غیرهنری بررسی و توصیف گردیده است. از منظر روش گردآوری داده‌ها، یک پژوهش پیمایشی است که اطلاعات موردنیاز از طریق پرسشنامه محقق ساخته و بسته پاسخ، گردآوری شده است. این پرسشنامه دارای سه بخش مختصات جمعیت شناختی، گویه کلی مبنی بر این که آیا معلم تکمیل کننده پرسشنامه، تجربه‌ای در زمینه کاربرد رشته‌های هنری در آموزش دروس غیرهنری دارد و بخش سوم دارای ۱۱۷ گویه جزئی درباره میزان بکارگیری هنر به تفکیک رشته‌های هنری و همچنین به تفکیک دروس غیرهنری (شامل ۹ درس در دوره ابتدایی) بوده است. بنابراین از منظر نوع داده‌های گردآوری شده، از نوع پژوهش‌های کمی است. جامعه آماری این پژوهش معلمان ابتدایی شهرستان کرج به تعداد ۵۸۰۱ نفر بوده‌اند که از آن جامعه ۲۵۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. نمونه گیری با روش نمونه گیری خوشه‌ای انجام شده است؛ بدین صورت که ابتدا چهار ناحیه آموزش و پرورش کرج به عنوان خوشه‌ی اول تعیین شد سپس از هر کدام از آن خوشه‌ها، مناسب با آمار معلمان دوره ابتدایی‌شان، مشارکت کنندگان مطابق جدول (۱) انتخاب گردیدند.

جدول (۱): جامعه و نمونه آماری

متغیر	ناحیه ۱	ناحیه ۲	ناحیه ۳	ناحیه ۴	کل
تعداد جامعه معلمان	۸۵۰	۱۸۲۰	۲۰۲۱	۲۱۱۰	۶۸۰۱
تعداد نمونه معلمان مشارکت کننده	۴۲	۵۴	۷۵	۸۳	۲۵۴

تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی و همچنین آمار استنباطی (T تک نمونه‌ای و رتبه بندی فریدمن) انجام گردیده است. برای بررسی روایی ابزار نیز از روایی محتوایی و برای برآورد پایایی آن از فرمول آلفای کرونباخ استفاده شد که این شاخص ۰/۸۳ به دست آمد.

یافته‌ها

سوال اول) میزان بهره‌گیری معلمان دوره ابتدایی از قابلیت‌های هنر در آموزش دروس غیرهنری به تفکیک رشته‌های هنری از چه وضعیتی برخوردار است؟

برای پاسخ به این سوال، ابتدا این موضوع بررسی گردید که در بین نمونه‌ی آماری، چه میزان از معلمان، دارای تجربه‌ی کاربرد هنر در آموزش هستند؟ سپس آن تعداد از معلمان که دارای چنین تجربه‌ای هستند از کدام رشته‌های هنری بهره‌گیری کرده‌اند؟ بدین منظور یافته‌های هر دو بخش به تفکیک در ادامه آمده است.

الف) وضعیت آماری معلمان از منظر داشتن تجربه کاربرد هنر در آموزش

جدول (۲): وضعیت آماری معلمان از منظر داشتن تجربه کاربرد هنر در آموزش

گزینه	فراوانی	فراوانی درصدی
دارم و مایل به اشتراک گذاری و روایت آن‌ها هستم	۸۴	۳۳
دارم و مایل به اشتراک گذاری و روایت آن‌ها نیستم	۹۵	۳۸
ندارم	۷۵	۲۹
جمع	۲۵۴	۱۰۰

جدول (۲) نشان می‌دهد که از بین ۲۵۴ نفر تکمیل‌کننده پرسشنامه ۸۴ نفر یعنی معادل ۳۳ درصد بیان کرده‌اند که دارای تجربه بکارگیری هنر در آموزش دروس غیرهنری هستند و همچنین مایل به بیان روایت آن‌ها هستند که پژوهشگر روایت‌های آنان را گردآوری و تحلیل نماید. ۹۵ نفر معادل ۳۸ درصد بیان کرده‌اند که دارای تجربه‌ی بکارگیری هنر در آموزش دروس غیرهنری بوده اما مایل به اشتراک‌گذاری و روایت تجارب خویش نیستند. نهایت اینکه ۷۵ نفر یعنی ۲۹ درصد نیز بیان کرده‌اند که تجربه‌ای در این زمینه ندارند. این اعداد نشان می‌دهند که به طور کلی ۷۱ درصد معلمان نمونه آماری اظهار کرده‌اند که تجربه‌ی بکارگیری از هنر در آموزش دروس غیرهنری را دارا هستند.

ب) میزان بهره‌گیری از رشته‌های مختلف هنری در آموزش

جدول (۳): آماره‌های مربوط به بهره‌گیری معلمان نمونه آماری از رشته‌های هنری در آموزش دروس غیرهنری

رشته‌ها	فراوانی	میانگین	مقدار t با درجه آزادی ۱۷۰	سطح معناداری در آماره‌ی t	مقدار رتبه در آزمون فریدمن با درجه آزادی ۱۲ و سطح معناداری ۰.۰۰۰
کاردستی	۱۷۹	۳.۱۲	۲.۳۸۲	۰.۰۱۸	۸.۳۷
نقاشی	۱۷۹	۳.۲۰	۳.۶۱۲	۰.۰۰۰	۸.۶۸
قصه‌گویی	۱۷۹	۳.۳۲	۵.۶۳۶	۰.۰۰۰	۹.۴۸
شعر	۱۷۹	۲.۷۹	-۳.۵۹۶	۰.۰۰۰	۶.۳۶
خوشنویسی	۱۷۹	۲.۶۶	-۵.۳۲۹	۰.۰۰۰	۵.۵۶
نمایش	۱۷۹	۳.۰۴	۰.۷۷۲	۰.۴۴۱	۷.۷۵
هنرهای دیجیتال	۱۷۹	۳.۱۱	۱.۴۵۶	۰.۱۴۷	۸.۲۴
موسیقی	۱۷۹	۲.۷۴	-۳.۸۷۶	۰.۰۰۰	۶.۱۳
آواز و سرود	۱۷۹	۲.۶۷	-۵.۰۶۵	۰.۰۰۰	۵.۴۸
حجم‌سازی (مجسمه، سفال)	۱۷۹	۲.۴۰	-۸.۹۴۵	۰.۰۰۰	۴.۳۰
فیلم	۱۷۹	۳.۲۲	۳.۳۴۶	۰.۰۰۱	۸.۶۹
عکس	۱۷۹	۲.۸۱	-۲.۵۹۴	۰.۰۱۰	۶.۳۰
آثار هنری تاریخی	۱۷۹	۲.۶۷	-۴.۷۳۵	۰.۰۰۰	۵.۶۵

میزان بهره‌گیری معلمان از رشته‌های هنری مندرج در جدول (۳) بر اساس طیف لیکرت خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد مورد بررسی قرار گرفته است. در تجزیه و تحلیل پاسخ‌ها، برای ۵ گزینه مذکور به ترتیب کم به زیاد، اعداد یک تا پنج اختصاص یافته است و سپس آماره‌های توصیفی و به دنبال آن آماره‌های استنباطی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. همان‌طور که در جدول (۳) نمایان است میزان بهره‌گیری از شش رشته‌ی کاردستی، نقاشی، قصه‌گویی، نمایش، هنرهای دیجیتال و فیلم بالاتر از حد متوسط (عدد ۳) بوده و هفت رشته‌ی شعر، خوشنویسی، موسیقی، آواز و سرود، حجم‌سازی (مجسمه، سفال)، عکاسی و آثار هنری تاریخی کمتر از متوسط مورد استفاده قرار گرفته‌اند. برای بررسی معنادار بودن اختلاف میانگین‌ها از میانگین فرضی ۳ از آزمون استنباطی T تک نمونه‌ای استفاده شده است که اطلاعات آن نشان می‌دهد که تفاوت بین میانگین‌های مربوط به می‌زان استفاده از ۱۱ رشته‌ی هنری در آموزش دروس غیرهنری با میانگین فرضی ۳ و در سطح ۰/۰۵ معنادار است و در دو رشته‌ی نمایش و هنرهای دیجیتال این تفاوت معنادار نیست و میزان بهره‌گیری از آنها در حد متوسط است. بنابراین می‌توان گفت بهره‌گیری بالاتر از حد متوسط در رشته‌های کاردستی، نقاشی، قصه‌گویی و فیلم و می‌زان استفاده کمتر از حد متوسط در رشته‌های شعر، خوشنویسی، موسیقی، آواز و سرود، حجم‌سازی (مجسمه، سفال)، عکاسی و آثار هنری تاریخی مورد تأیید قرار می‌گیرد.

آزمون فریدمن نیز نشان می‌دهد که استفاده معلمان از هنر در ۳ رشته‌ی قصه‌گویی، فیلم و نقاشی به ترتیب بالاترین رتبه و در سوی مقابل، حجم‌سازی (مجسمه، سفال)، آواز و سرود و خوشنویسی به ترتیب کمترین رتبه را در آموزش دروس غیرهنری به خود اختصاص داده‌اند.

سوال دوم) میزان بهره‌گیری معلمان دوره ابتدایی از قابلیت‌های رشته‌های هنر در آموزش دروس غیرهنری به تفکیک دروس از چه وضعیتی برخوردار است؟

جدول (۴): آماره‌های مربوط به میزان بهره‌گیری از هنر به تفکیک دروس غیرهنری دوره ابتدایی

درس	تعداد	میانگین	مقدار t با درجه آزادی ۱۷۰	سطح معناداری در آماره‌ی t	مقدار رتبه در آزمون فریدمن با درجه آزادی ۸ و سطح معناداری ۰.۰۰۰
فارسی	۱۷۱	۳.۲۴	۳.۹۱۷	۰.۰۰۰	۹.۴۸
ریاضی	۱۷۱	۲.۸۶	-۲.۲۳۴	۰.۰۲۷	۷.۷۵
علوم	۱۷۱	۲.۸۸	-۱.۹۱۱	۰.۰۵۷	۶.۳۶
مطالعات اجتماعی	۱۷۱	۲.۸۸	-۲.۱۰۳	۰.۰۳۷	۸.۶۸
فناوری	۱۷۱	۳.۱۶	۲.۷۲۴	۰.۰۰۷	۸.۶۹
تربیت بدنی	۱۷۱	۲.۶۷	-۵.۹۸۱	۰.۰۰۰	۶.۳۰
تفکر و پژوهش	۱۷۱	۲.۸۲	-۳.۵۷۱	۰.۰۰۰	۸.۳۷
هدیه‌های آسمان	۱۷۱	۲.۸۷	-۲.۱۸۴	۰.۰۳۰	۸.۲۴
قرآن	۱۷۱	۲.۷۵	-۳.۹۲۲	۰.۰۰۰	۶.۱۳

مطابق داده‌های جدول (۴) میزان بهره‌گیری از هنر در تدریس موضوعات دروس فارسی و فناوری از میانگین فرضی ۳ یعنی حد متوسط بالاتر می‌باشد اما در ۷ درس دیگر میزان کمتر از حد متوسط است. برای اطمینان از معناداری تفاوت میانگین‌ها، آزمون T محاسبه شده که داده‌های مربوط به آن نشان می‌دهد تفاوت میانگین استفاده از هنر در دروس فارسی و فناوری با میانگین فرضی ۳ در سطح ۰/۰۵ معنادار است. این میزان در این دو درس بالاتر از حد متوسط می‌باشد. از سوی دیگر تفاوت میانگین استفاده از هنر در دروس ریاضی، مطالعات اجتماعی، تربیت بدنی، تفکر و پژوهش، هدیه‌های آسمان و قرآن با میانگین فرضی ۳ در سطح ۰/۰۵ معنادار بوده و پایین‌تر از حد متوسط است؛ اما تفاوت میانگین میزان استفاده از هنر در آموزش موضوعات دروس علوم با میانگین فرضی ۳ معنادار نبوده و با تایید فرضیه صفر مبنی بر عدم تفاوت معناداری، می‌توان گفت میزان استفاده از هنر در تدریس موضوعات دروس علوم در حد متوسط است.

برای رتبه‌بندی میزان استفاده از هنر در تدریس موضوعات دروس غیرهنری از آزمون رتبه‌بندی فریدمن استفاده شده است که براساس آن (جدول ۴) دروس فارسی، فناوری و مطالعات اجتماعی بالاترین رتبه را در بهره‌گیری از هنرها به خود اختصاص داده‌اند از سوی دیگر ۳ درس قرآن، تربیت بدنی و علوم کمترین رتبه را دارا هستند و این رتبه‌ها در سطح ۰/۰۵ با درجه آزادی ۸ معنادار است.

برای توصیف بیشتر میزان بهره‌گیری معلمان از رشته‌های هنری به تفکیک دروس غیرهنری، در ادامه یافته‌های رتبه‌بندی رشته‌های هنری در آموزش دروس غیرهنری به طور جداگانه گزارش شده است.

جدول (۵): رتبه‌بندی میزان استفاده از رشته‌های هنری در آموزش موضوعات درس فارسی

رشته‌های هنری	رتبه	درجه آزادی	سطح معناداری
قصه‌گویی	۹.۳۳	۱۲	۰.۰۰۰
نمایش	۸.۵۶		
شعر	۸.۳۶		
فیلم	۷.۷۱		
خوشنویسی	۷.۲۵		
آواز و سرود	۷.۲۳		
موسیقی	۷.۱۸		
هنرهای دیجیتالی	۶.۹۶		
نقاشی	۶.۷۱		
کاردستی	۶.۰۱		
آثار هنری تاریخی	۵.۸۵		
عکاسی	۵.۷۶		
حجم‌سازی (مجسمه، سفال)	۴.۱۰		
مجسمه، سفال			

جدول (۵) بیانگر آن است که در آموزش موضوعات درس فارسی، معلمان بیشترین بهره را از رشته‌های قصه‌گویی، نمایش و شعر و کمترین استفاده را از حجم‌سازی (مجسمه، سفال)، عکاسی و آثار هنری تاریخی برده‌اند و این رتبه‌بندی با درجه آزادی ۱۲ در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

جدول (۶): رتبه‌بندی میزان استفاده از رشته‌های هنری در آموزش موضوعات درس ریاضی

رشته‌های هنری	رتبه	درجه آزادی	سطح معناداری
کاردستی	۹.۷۱	۱۲	۰.۰۰۰
نقاشی	۸.۹۲		
فیلم	۸.۱۲		
هنرهای دیجیتال	۸.۰۰		
قصه‌گویی	۷.۷۵		
نمایش	۶.۸۳		
شعر	۶.۵۷		
عکاسی	۶.۵۰		
خوشنویسی	۵.۹۶		
موسیقی	۵.۸۷		
حجم‌سازی (مجسمه، سفال)	۵.۸۰		
آثار هنری تاریخی	۵.۵۷		
آواز و سرود	۵.۴۲		

براساس جدول (۶) از منظر بهره‌گیری معلمان، رشته‌های کاردستی، نقاشی و فیلم بالاترین رتبه و رشته‌های آواز و سرود، آثار هنری تاریخی و حجم‌سازی (مجسمه، سفال) به ترتیب پایین‌ترین رتبه را در آموزش موضوعات درس ریاضی به خود اختصاص داده‌اند و این رتبه‌بندی با درجه آزادی ۱۲ در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

جدول (۷): رتبه‌بندی میزان استفاده از رشته‌های هنری در آموزش موضوعات درس علوم

رشته‌های هنری	رتبه	درجه آزادی	سطح معناداری
کاردستی	۹.۱۶	۱۲	۰.۰۰۰
فیلم	۸.۸۶		
نقاشی	۸.۸۰		
هنرهای دیجیتال	۸.۴۵		
قصه‌گویی	۷.۸۴		
نمایش	۷.۰۷		
عکاسی	۷.۰۲		
آثار هنری تاریخی	۵.۹۸		
موسیقی	۵.۸۱		
حجم‌سازی (مجسمه، سفال)	۵.۷۹		
شعر	۵.۶۴		
خوشنویسی	۵.۳۹		
آواز و سرود	۵.۱۹		

جدول (۷) نشان می‌دهد رشته‌های هنری کاردستی، فیلم و نقاشی به ترتیب بالاترین رتبه را در بهره‌گیری معلمان از رشته‌های هنری در تدریس موضوعات درس علوم به خود اختصاص داده‌اند و پایین‌ترین رتبه را نیز به ترتیب رشته‌های هنری آواز و سرود، خوشنویسی و شعر به خود اختصاص داده‌اند و این رتبه‌بندی با درجه آزادی ۱۲ در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

جدول (۸): رتبه‌بندی میزان استفاده از رشته‌های هنری در آموزش موضوعات درس مطالعات اجتماعی

رشته‌های هنری	رتبه	درجه آزادی	سطح معناداری
قصه‌گویی	۸.۶۶	۱۲	۰.۰۰۰
فیلم	۸.۲۳		
هنرهای دیجیتال	۷.۸۴		
آثار هنری تاریخی	۷.۵۹		
نمایش	۷.۵۷		
نقاشی	۷.۴۹		
کاردستی	۷.۳۳		
عکاسی	۶.۹۲		
موسیقی	۶.۱۴		
شعر	۵.۹۰		
آواز و سرود	۵.۸۹		
خوشنویسی	۵.۷۳		
حجم‌سازی (مجسمه، سفال)	۵.۶۹		

جدول (۸) نشان می‌دهد معلمان از رشته‌های هنری قصه‌گویی، فیلم و هنرهای دیجیتال بیشترین استفاده را در آموزش موضوعات درس مطالعات اجتماعی داشته‌اند و این رشته‌ها به ترتیب بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند؛ از سوی دیگر رشته‌های هنری حجم‌سازی (مجسمه، سفال)، خوشنویسی و آواز و سرود کمترین رتبه را در این زمینه دارا هستند و این رتبه‌بندی با درجه آزادی ۱۲ در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

جدول (۹): رتبه‌بندی میزان استفاده از رشته‌های هنری در آموزش موضوعات درس فناوری

رشته‌های هنری	رتبه	درجه آزادی	سطح معناداری
کاردستی	۹.۵۸	۱۲	۰.۰۰۰
نقاشی	۹.۴۳		
قصه‌گویی	۷.۵۲		
فیلم	۷.۲۹		
نمایش	۷.۱۵		
خوشنویسی	۷.۰۲		
هنرهای دیجیتال	۶.۶۵		
عکاسی	۶.۴۲		
موسیقی	۶.۳۵		
آثار هنری تاریخی	۶.۱۹		
آواز و سرود	۵.۹۱		
شعر	۵.۸۱		
حجم‌سازی (مجسمه، سفال)	۵.۶۹		

مطابق داده‌های جدول (۹) سه رشته‌ی هنری کاردستی، نقاشی و قصه‌گویی به ترتیب بالاترین رتبه و سه رشته‌ی هنری حجم‌سازی، شعر و آواز و سرود نیز به ترتیب کمترین رتبه را در میزان بهره‌گیری معلمان از رشته‌های هنری در تدریس موضوعات درس فناوری دارا هستند. این رتبه‌بندی با درجه آزادی ۱۲ در سطح معناداری ۰/۰۵ معنادار است.

جدول (۱۰): رتبه‌بندی میزان استفاده از رشته‌های هنری در آموزش موضوعات درس تربیت‌بدنی

رشته‌های هنری	رتبه	درجه آزادی	سطح معناداری
فیلم	۷.۶۲	۱۲	۰.۰۰۰
هنرهای دیجیتال	۷.۵۷		
عکاسی	۷.۴۷		
نقاشی	۷.۳۲		
نمایش	۷.۳۲		
موسیقی	۷.۳۱		
قصه‌گویی	۶.۹۵		
آواز و سرود	۶.۹۰		
کاردستی	۶.۸۳		
شعر	۶.۶۵		
آثار هنری تاریخی	۶.۶۵		
خوشنویسی	۶.۲۶		
حجم‌سازی (مجسمه، سفال)	۶.۱۳		

براساس داده‌های جدول (۱۰) می‌توان گفت در تدریس موضوعات درس تربیت بدنی معلمان بیشترین استفاده را از رشته‌های هنری فیلم، هنرهای دیجیتال و عکاسی و کمترین بهره‌گیری را به ترتیب از حجم‌سازی (مجسمه، سفال)، خوشنویسی و آثار هنری تاریخی داشته‌اند. این رتبه‌بندی با درجه آزادی ۱۲ در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

جدول (۱۱): رتبه‌بندی میزان استفاده از رشته‌های هنری در آموزش موضوعات درس تفکر و پژوهش

رشته‌های هنری	رتبه	درجه آزادی	سطح معناداری
قصه‌گویی	۷.۵۹	۱۲	۰.۰۰۰
فیلم	۷.۵۵		
هنرهای دیجیتال	۷.۴۲		
نقاشی	۷.۲۸		
کاردستی	۷.۱۴		
نمایش	۷.۱۳		
عکاسی	۷.۱۱		
موسیقی	۶.۸۶		
آثار هنری تاریخی	۶.۸۰		
آواز و سرود	۶.۷۵		
شعر	۶.۶۲		
خوشنویسی	۶.۴۱		
حجم‌سازی (مجسمه، سفال)	۶.۳۴		

جدول (۱۱) بیانگر آن است که معلمان برای تدریس موضوعات درس تفکر و پژوهش بالاترین استفاده را به ترتیب از رشته‌های هنری قصه‌گویی، فیلم و هنرهای دیجیتال و کمترین بهره را از رشته‌های هنری حجم‌سازی (مجسمه، سفال)، خوشنویسی و شعر داشته‌اند و این رتبه‌بندی با درجه آزادی ۱۲ در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

جدول (۱۲): رتبه‌بندی میزان استفاده از رشته‌های هنری در آموزش موضوعات درس هدیه‌های آسمان

رشته‌ها	رتبه	درجه آزادی	سطح معناداری
قصه‌گویی	۹.۸۶	۱۲	۰.۰۰۰
فیلم	۸.۱۳		
نمایش	۷.۹۷		
هنرهای دیجیتال	۷.۹۱		
نقاشی	۷.۷۱		
شعر	۷.۰۱		
کاردستی	۶.۸۱		
عکاسی	۶.۴۷		
موسیقی	۶.۲۸		
آواز و سرود	۶.۰۷		
آثار هنری تاریخی	۶.۰۳		
خوشنویسی	۵.۸۰		
حجم‌سازی (مجسمه، سفال)	۴.۹۴		

براساس جدول (۱۲) رشته‌های هنری قصه‌گویی، فیلم و نمایش بالاترین رتبه و رشته‌های حجم‌سازی (مجسمه، سفال)، خوشنویسی و آثار هنری تاریخی به ترتیب پایین‌ترین رتبه را در بهره‌گیری معلمان از رشته‌های هنری در تدریس موضوعات درس هدیه‌های آسمان دارا هستند. این رتبه‌بندی با درجه آزادی ۱۲ در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

جدول (۱۳): رتبه‌بندی میزان استفاده از رشته‌های هنری در آموزش موضوعات درس قرآن

رشته‌ها	رتبه	درجه آزادی	سطح معناداری
قصه‌گویی	۹.۷۸	۱۲	۰.۰۰۰
فیلم	۸.۲۴		
هنرهای دیجیتال	۷.۸۱		
نقاشی	۷.۷۲		
نمایش	۷.۵۶		
شعر	۷.۱۷		
کاردستی	۶.۶۶		
موسیقی	۶.۵۳		
عکاسی	۶.۴۰		
خوشنویسی	۶.۳۸		
آواز و سرود	۶.۱۰		
آثار هنری تاریخی	۶.۰۲		
حجم‌سازی (مجسمه، سفال)	۴.۶۲		

جدول (۱۳) نیز نشان می‌دهد در تدریس موضوعات درس قرآن سه رشته‌ی هنری قصه‌گویی، فیلم و هنرهای دیجیتال‌ها بالاترین رتبه را در بین سایر رشته‌های هنری دارا بوده و معلمان بیشترین بهره‌گیری را از آنها داشته‌اند و سه رشته‌ی حجم‌سازی (مجسمه، سفال)، آثار هنری تاریخی و آواز و سرود نیز کمترین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند. این رتبه‌بندی نیز با درجه آزادی ۱۲ در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی میزان بهره‌گیری معلمان از رشته‌های هنری در آموزش دروس غیرهنری دوره ابتدایی بود. یافته‌های پژوهش نشان داد ۷۱ درصد نمونه آماری معلمان دوره ابتدایی بیان کردند که دارای تجربه به‌کارگیری هنر در آموزش دروس غیرهنری هستند و ۲۹ درصد آنان بیان نموده‌اند که فاقد چنین تجربه عملی هستند. این میزان (۷۱ درصد) معلمان استفاده‌کننده‌ی ابتدایی از هنر، با یافته‌های اورک (Oreck, 2006) مبنی بر این که معلمان ابتدایی از سایر معلمان، از هنر در آموزش بیشتر استفاده می‌نمایند همخوانی دارد.

یافته‌های مربوط به میزان استفاده از رشته‌های هنری از یک سو و همچنین میزان بهره‌مندی دروس مختلف از رشته‌های هنری از سوی دیگر نشان داد در بین ۱۳ رشته هنری که میزان بهره‌گیری از آنها مورد بررسی قرار گرفت رشته‌های کاردستی، نقاشی، قصه‌گویی و فیلم بالاتر از حد متوسط و رشته‌های شعر، خوشنویسی، موسیقی، آواز و سرود، حجم‌سازی (مجسمه، سفال)، عکاسی و آثار هنری تاریخی کمتر از حد متوسط بود. به عبارت دیگر در بین ۱۳ رشته مورد بررسی تنها چهار رشته هنری بالاتر از حد متوسط مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

تحلیل وضعیت میزان استفاده از رشته‌های هنری به تفکیک ۹ حوزه یادگیری نشان داد در دو درس فارسی و فناوری میزان بهره‌گیری از رشته‌های هنری بالاتر از حد متوسط، در درس علوم در حد متوسط و در سایر دروس یعنی ریاضی، مطالعات اجتماعی، تربیت بدنی، تفکر و پژوهش، هدیه‌های آسمان و قرآن کمتر از حد متوسط بوده است. در پایان میزان بهره‌گیری هر یک از دروس از رشته‌های هنری بررسی گردید که در درس فارسی بالاترین رتبه را قصه‌گویی و کمترین رتبه را حجم‌سازی (مجسمه، سفال)، در درس ریاضی بالاترین رتبه را کاردستی و کمترین رتبه را آواز و سرود، در درس علوم بالاترین رتبه را کاردستی و پایین‌ترین رتبه را آواز و سرود، در درس مطالعات اجتماعی بالاترین رتبه را قصه‌گویی و پایین‌ترین رتبه را حجم‌سازی (مجسمه، سفال)، در درس فناوری بالاترین رتبه را

کاردستی و پایین‌ترین رتبه را حجم‌سازی (مجسمه، سفال)، در درس تربیت‌بدنی بالاترین رتبه را فیلم و کمترین رتبه را حجم‌سازی (مجسمه، سفال)، در درس تفکر و پژوهش بالاترین رتبه را قصه‌گویی و پایین‌ترین رتبه را حجم‌سازی (مجسمه، سفال)، در درس هدیه‌های آسمان بالاترین رتبه را قصه‌گویی و پایین‌ترین رتبه را حجم‌سازی (مجسمه، سفال) و در درس قرآن نیز بالاترین رتبه را قصه‌گویی و پایین‌ترین رتبه را حجم‌سازی (مجسمه، سفال) به خود اختصاص داده‌اند. از آنجا که پژوهشگر ضمن بررسی‌های متعدد، پژوهش‌هایی که بر می‌زان استفاده معلمان از کاربرد تلفیقی هنر دلالت داشته باشند پیدا نکرده است در اینجا امکان مقایسه این یافته‌ها با نتایج دیگر پژوهش‌ها میسر نبود؛ امید آن می‌رود پژوهشگران در این زمینه پژوهش‌های ارزشمندی را به انجام برسانند.

براساس آنچه بیان شد برخی رشته‌های هنری مانند قصه‌گویی، نقاشی، نمایش و فیلم از منظر معلمان بیشتر و برخی دیگر کمتر مورد استفاده قرار گرفته است. در مورد استفاده‌ی بیشتر می‌توان به دلایلی از قبیل بستر مناسب محتوای برخی از دروس برای رشته‌های هنری مانند قصه‌گویی، کاردستی و فیلم عنوان کرد که زمینه‌ی کاربردی‌ن رشته‌ها در آن درس‌ها همانند فارسی، ریاضی، علوم، مطالعات اجتماعی و غیره فراهم است. برای مثال در درس ریاضی و علوم بر ساخت کاردستی در فعالیت‌های کتاب‌های درسی اشاره شده است یا قالب ارائه محتوای برخی از موضوعات درس فارسی، مطالعات اجتماعی و هدیه‌های آسمان داستان می‌باشد. از سوی دیگر توان و تجربه یادگیرندگان در یک رشته‌ی هنری بستری مناسب می‌تواند در بهره‌گیری آن رشته فراهم سازد برای مثال توانمندی و علاقه‌ی دانش‌آموزان به رشته‌ی نقاشی، سهولت کاربرد آن رشته را در آموزش سایر دروس توانسته است رقم بزند؛ زیرا یادگیرندگان از زمان کودکی تقریباً به نقاشی می‌پردازند و در جلسات درس هنر نیز معمولاً نقاشی فعالیت است که بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد؛ اما از آنجا که برخی رشته‌ها همانند آواز و سرود، آثار هنری تاریخی، خوشنویسی، موسیقی، عکاسی و شعر کمتر در جلسات درس هنر به آنها پرداخته می‌شود مطابق اظهارات معلمان کمتر از سایر رشته‌ها با سایر درس‌ها تلفیق شده‌اند. زیرا هم معلمان و هم شاگردان در این رشته‌ها تجربه و توان کمتری دارند؛ فقط در یک مورد شاهد هستیم که موسیقی توسط معلمی که در آن رشته دارای مهارت بوده، مورد استفاده قرار گرفته است.

درباره تأثیر مختصات برنامه درسی حوزه یادگیری بر کاربرد تلفیقی هنر با آن حوزه‌ها، نیز شاهد هستیم برخی از حوزه‌های یادگیری، برای کاربرد برخی رشته‌های هنری مناسب هستند. برای مثال برنامه درسی فارسی برای کاربرد تلفیقی قصه‌گویی یا برنامه درسی ریاضی برای کاربرد کاردستی مناسب بوده که تحلیل یافته‌ها نشان داد در این دو درس این رشته‌ها بیشتر از سوی معلمان مورد استفاده قرار گرفته است؛ اما با عنایت به تناسب پایین رشته‌ی حجم‌سازی (مجسمه، سفال) با مختصات اکثر دروس و حوزه‌های یادگیری، این رشته‌ی هنری کمترین رتبه را در بهره‌گیری معلمان، به خود اختصاص داده است. با عنایت به آنچه گفته شد می‌توان گفت که اولاً میزان استفاده معلمان از رشته‌های هنری به جز سه درس فارسی، فناوری و علوم بر اساس اظهارات خود معلمان کمتر از متوسط است و این یافته بیانگر آن است که افزایش بهره‌گیری معلمان از رشته‌های هنری نیازمند تدابیر ویژه برای بهسازی دانش، نگرش و مهارت معلمان است. علاوه بر این، تأثیر توان و تجربه معلمان از یک سو و توان و تجربه شاگردان از سوی دیگر بر میزان بهره‌مندی کلاس‌های درس از قابلیت رشته‌های هنری را نیز می‌توان مشاهده نمود. به عبارت دیگر در رشته‌های هنری که معلمان و شاگردان دارای مهارت نسبی در آنها هستند کاربرد تلفیقی آن رشته‌های هنری تسهیل می‌گردد. نهایت اینکه تناسب ماهیت محتوای برنامه درسی حوزه‌های یادگیری با رشته‌های هنری، به‌عنوان مؤلفه‌ی تأثیرگذار در فراهم سازی زمینه‌ی کاربرد هنر در آموزش عمل می‌نماید. از این رو در پایان پیشنهاد می‌گردد توانمندسازی معلمان در زمینه طراحی آموزشی و اجرای کاربرد تلفیقی هنر با سایر موضوعات درسی در دوران قبل و حین خدمت، پیش‌بینی فعالیت‌های تلفیقی هنر در محتوای کتاب‌های درسی، گردآوری روایت تجارب معلمان در زمینه کاربرد هنر در آموزش و نشر آن از سوی انجمن‌های علمی و آموزش‌وپرورش، توجه به استلزامات کاربرد هنر در آموزش در تجهیز و سازماندهی فضا و مواد آموزشی مدارس و کلاس‌ها، بکارگیری معلمان رشته‌ی هنر در دوره ابتدایی جهت همکاری با

معلمان در زمینه کاربرد هنر در آموزش و در نهایت آشنا نمودن تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان از قبیل مدیران و عوامل اجرایی مدرسه، برنامه‌ریزان درسی، اولیاء و دانش‌آموزان دوره ابتدایی با پیامدهای تربیتی کاربرد هنر در آموزش برای بهسازی وضعیت موجود کاربرد هنر در آموزش مورد توجه قرار گیرد. از سوی دیگر علیرغم اینکه پژوهشگر با استفاده از فرصت‌های بالقوه و پیش‌آمده‌ای که در طول انجام پژوهش در اختیار داشت سعی کرد بر برخی از محدودیت‌های انجام پژوهش فائق آید و از تأثیر آنها بر روند اجرای پژوهش بکاهد؛ اما برخی محدودیت‌ها مانند کمبود منابع مطالعاتی و پیشینه پژوهشی درباره‌ی میزان بهره‌گیری معلمان از هنر در آموزش، تعیین محدودیت برای انتخاب تعداد مدارس از سوی آموزش و پرورش در طول انجام پژوهش و انگیزه‌ی پایین و همکاری ضعیف معلمان وجود داشتند که پژوهشگر با آن‌ها مواجه بود لذا پیشنهاد می‌شود که این پژوهش در سایر استان‌ها و همچنین در سطح ملی نیز تکرار شود.

مشارکت نویسندگان

این مقاله به صورت کامل توسط یک نویسنده تدوین شده است.

تشکر و قدردانی

حمایت فرهنگستان هنر در راستای تقویت جایگاه هنر در نظام آموزشی بویژه پشتیبانی از انجام این پژوهش، درخور قدردانی است.

تعارض منافع

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»

منابع

- پورداود، محمد؛ یوسف زاده، محمدرضا؛ کچوئیان جواد، رضا و احقر، قدسی (۱۳۹۹). ارزیابی عملکرد آموزشی و تربیتی مراکز پیش‌دبستانی شهر همدان بر اساس فلسفه‌ی تربیتی اشتاینر (الگوی والدورف). *دوفصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری*. ۸(۱۵)، ۹۱-۱۰۶. <https://doi.org/10.22084/j.psychogy.2019.20269.2046>
- سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (۱۳۹۶). *راهنمای درس هنر*. تهران: شرکت افست.
- گرمابی، حسن علی. (۱۴۰۱). شناسایی آموزه‌ها و نتایج تجارب معلمان در زمینه کاربرد هنر در آموزش و تدریس، *نظریه و عمل در برنامه درسی*، ۲۰۷(۲۰)-۲۴۴، ۱۰-۲۴۴.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۰). تبیین چرخش زیباشناسانه در تعلیم و تربیت: درسهای خرد و کلان برای بهبود کیفیت آموزش با الهام از عالم هنر. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ۲۷(۱۰۵)، ۳۴-۱۱.

References

- Badger, H.K(2019). " *Teacher Perceptions of Arts Integration in Lower Elementary School Classrooms*". University of Mississippi, Dissertation in Undergraduate in partial fulfillment of the requirements of the Sally McDonnell Barksdale Honors College.
- Dewey, J. (1933). *How We Think*. D.C. Heath & Co Publishers.
- Ewing, Robyn(2017). The Creative Arts and Teacher Education In D. J. Clandinin, & Husu, J. (Eds.), *The SAGE handbook of research on teacher education*. Sage publication.
- Eisner, Elliot.w(2005). *Reimagining schools: the selected works of Elliot w . Eisner*. Published 15 in the USA and Canada by Routledge
- Garmabi, H. A. (2022). identifying learnings and results of teachers' experiences in the field of art application in instruction and teaching. *Theory and Practice in the Curriculum*, 10(20), 207-244. [in persian].

- Herrera, D. C(2019). *An Exploration of Integrating Visual Arts to Enhance Narrative Writing in the Elementary Classroom*. University of Central Florida, Dissertation in Bachelor of Science in Elementary, College of Community Innovation and Education. Retrieved from <https://stars.library.ucf.edu/honorstheses/573/>
- Lisa ,L (2013). Arts Integration: What Is Really Happening in the Elementary Classroom?. *Journal for Learning through the Arts*, 9(1), n1. <http://dx.doi.org/10.21977/D99112615>
- Marshall, J. (2014). Transdisciplinarity and art integration: Toward a new understanding of art-based learning across the curriculum. *Studies in Art Education*, 55(2), 104-127. <http://dx.doi.org/10.1080/00393541.2014.11518922>
- Mehrmohammadi, M(2011). Explaining the aesthetic turn in education: micro and macro lessons to improve the quality of education with inspiration from the world of art. *Journal of Education*,27(105),11-34.[in persian].
- Moss, T. E., Benus, M. J., & Tucker, E. A(2018). *Impacting urban students' academic achievement and executive function through school-based arts integration programs*. SAGE Open, 8(2), <http://dx.doi.org/10.1177/2158244018773131>
- Oreck, B. (2006). Artistic choices: A study of teachers who use the arts in the classroom. *International Journal of Education & the Arts*, 7(8). Retrieved from <http://www.ijea.org/v7n8/> .
- Organization for Educational Research and Planning(2017). *Art course guide*. Offset Company. [in persian]
- Pordawood, M; Yusefzadeh, M; KechuianJavadi, R and Ahghar, Q(2019). Evaluation of the educational performance of Hamedan preschool centers based on Steiner's educational philosophy (Waldorf model). *journal of cognitive strategies in learning*.8(15),91-106.[in persian] <https://doi.org/10.22084/j.psychogy.2019.20269.2046>
- Senapaty,H(2019). *Art integrated learning Guidelines*. Published by National Council of Educational Research and Training.
- Smite, A.R(2008).educational aesthetics and Policy.*the Journal of policy arts education review*. Vol:109, No:6, July/Agust2008. <http://dx.doi.org/10.3200/AEPR.109.6.3-12>.
- Sotiropoulou-Zormpala, M., & Mouriki, A(2019). *Enriching Arts Education Through Aesthetics: Experiential Arts Integration Activities for Pre-school and Early Primary Education*. Routledge.